

۱۹ ۳۴۵۹۲

زنبق درّه

شاهکار او نوره دوستانه

ترجمه م.ا. به آذین



انتشارات فردوس

Balzac, Honorede

بالزاک، اونوره دو، ۱۷۹۹ - ۱۸۵۰.

زنبق دره / شاهکار اونوره دو بالزاک، ترجمه م. ا. به آذین. - تهران: فردوس، ۳۸۱ ص.

ISBN 978 - 964 - 320 - 477 - 8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فرانسه - قرن ۱۹. الف. اعتمادزاده، محمود، ۱۲۹۳ - مترجم، ب.

عنوان.

۸۴۳/۷

ز / PQ ۲۱۸۹

۱۳۸۵

۰۸۴-۳۳۹۴۴

کتابخانه ملی ایران



انتشار فردوس

خیابان دانشگاه - کوچه میترا - شماره ۷- واحد ۱. نان. ۶۶۴۱۸۸۹ - ۶۶۴۶۹۳۳۸

زنبق دره

شاهکار اونوره دو بالزاک

ترجمه م. ا. به آذین

(ویرایش جدید)

ناظر فنی چاپ: زهرا یاسینیان

چاپ هفتم: تهران، ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۲۰ - ۴۷۷ - ۸

www.ferdosbook.com

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

گفتار مترجم

ربیع درّه داستان عشق سوزانی است که می‌خواهد پاک بماند و همین خود فاجعه دلخراش این عشق است که قلم بالزاک با قدرت غول آسایی آن را پرورانده است.

یک دوران کورگی خالی، مهر مادری، زناشویی با مردی در هم شکسته و نیمه دیوانه، نج پرستاری از فرزندان نزار و پیوسته بیمار، این همه خانم دومورسوف را آماده سازخته است که با همه شور روح مهربان و دوشیزه وار خود در عشق زناشویی به نام فلیکس دوواندنس که او نیز در خانواده خویش از هر گونه محبتی محروم مانده است چنگ بیندازد. در واقع، این کشش و این احتیاج و حب ز هر دو جانب به یک اندازه است. از این رو بر خود این دو جان آرزو مند، کمی جنبه اضطراری دارد؛ ولی نمی‌تواند و نباید موجب کامیابی گردد. ماتم و مو، سوف، نه به علت پروا از قضاوت مردم و اجتماع و یا پای بندی به رعایف زناشویی، بلکه بر اثر اعتقاد مذهبی و گرایش عرفانی روح پاک اندیش خویش محال هیچ گونه نوازشی به خود یا به دل داده خویش نمی‌دهد. و برای آنکه از آلائش گناهی که قلبش تشنه آن است بر کنار بماند، می‌کوشد تا دختر خردسال خود مادرلن را میان خود و دلداری خویش حایل گرداند، یا با فلیکس لحنی و رفتاری مادرانه در پیش بگیرد.

اگر این تقوی، که یکپارچه و سخت و دور از وسوسه لذات می‌نماید، واقعاً چنین بود، چیزی کسل کننده تر از این رمان نمی‌توانست باشد، ولی،

به تدریج که داستان پیش می‌رود، بیش از پیش بر خواننده آشکار می‌گردد که خواهشهای تن در خانم دومورسوف به هیچ وجه نمرده است و پیکاری در درون او جریان دارد. و این باز کافی نیست. بالزاک، برای کشاندن سرنوشت این زن به فاجعه‌ای که می‌باید او را در هم بشکند و وجودش را با شعله رام نشدنی آرزو بسوزاند و خاکستر کند، یک عشق کامیاب - عشق سراسر مادی لیدی دو دلی به فلیکس - را مانند نورافکنی بر عشق خانم دومورسوف می‌تاباند. این دو عشق را در برابر هم قرار می‌دهد، و سوسه لذت را در این زن تشدید می‌کند، روحش را در دام حیثیت و شک گرفتار می‌سازد. او را به آستانه شکست تا پرتگاه بی‌خودی و نفوذ می‌برد و همانجا بر لب پرتگاه نگاه می‌دارد. اما بر لب پرتگاه نمی‌توان خانه کرد. اندکی تاب چنین سرگیجه‌ای ندارد. و اگر عشق می‌باید پاک بماند، ناچار آن را با خود می‌برد. خانم دومورسوف می‌میرد. ولی این کار به سادگی، بی‌درد و آسودگی دل‌خراش، نمی‌گذرد. جزر و مد خواهش نفسانی، تادم واپسین این قتل عشق را آزار می‌دهد. او که آن همه پاک و آن همه خویشتن‌دار بود و روحش گوشت پرتوی از صفا و آرامش ملکوتی به اطراف می‌پراکند، در آستانه مرگ یک‌بار سرگشته است. حسرت عشق ناکام، حسرت جوانی و لذات ناشناخته، این را می‌سوزاند. تنش فریاد بر می‌دارد:

«می‌خواهم زنده باشم. می‌خواهم اسب سواران کنم، می‌خواهم همه چیز را ببینم، پاریس را و جشنهای آن را ببینم و لذات آن را چشم آری، می‌خواهد زنده باشد: «زنده از واقعیات، نه از یک مشت دروغ.» و افسوس می‌خورد: «در زندگی من همه چیز دروغ بوده است.» ولی این طوفان، با همه شدت لرزاننده‌ای که دارد، می‌گذرد. آرامش فرا می‌رسد.

زن دلباخته‌ای که به اختیار خویش به مذهب عشق رفته و چنین می‌نماید که پشیمان است ... آستانه مرگ به نعمت خرسندی و رضا می‌رسد، از

زنجیر آرزوها و علائق آزاد می‌شود و پاک و سبک بار در میان اشک حسرت‌ها گویی در هاله‌ای از نور فرو می‌رود.

زنبق دره یکی از شاهکارهای درجه اول بالزاک است. و اگر چه مانند اغلب آثار این نویسنده در پاره‌ای قسمتهای آن اطنابی دیده می‌شود. این طول کلام به هیچ حال خالی از فایده نیست. و دست کم نمونه‌ای از روحیه و سابقه زمان بالزاک را به دست می‌دهد. از آن گذشته، نکات اجتماعی و راه‌شناسی جالبی در آن است که هنوز تازگی و درستی خود را حفظ کرده است و به خوبی می‌تواند به کار آید. و از این حیث نامه خانم دومورسوف به فلیکس در آغاز ورود این یک به زندگانی اجتماعی، و نیز نامه ناتالی دومانرویل به اخو کس، می‌تواند برای هر جوانی در معاشرت با مردم و خاصه در رفتار با زنان راهنمای ارزنده‌ای باشد.

م. ا. به آذین